

قرارگاه خاتم الانبیاء میعادگاهی برای چپاول و غارت

«در پی ورشکسته اعلام نمودن شرکت "آریان فولاد" روز گذشته تمام کارگران آن مقابل فرمانداری بوئین زهرا تجمع کردند. در پی این تجمع پلیس با توم به کارگران حمله کرد. وقتی دیدند کارگران علیرغم این فشارها پراکنده نمی شوند از کارگران خواستند که نماینده های خود را معرفی کنند تا با آنها گفتگو شود. تا ساعت 11 صبح این تجمع ادامه داشت.»
این خبری است که تنها در چند جمله بالا تنها از سوی خبرگزاری ایلنا انتشار یافت. اما هیچ خبرگزاری و روزنامه ای اشاره به واقعیات نهفته در پشت ورشکستگی آریان فولاد" نکرد. البته از ترس سپاه پاسداران.

من می نویسم:

در اوایل سال 88 سپاه پاسداران در یکی از معاملات برون مرزی خود به جای پورسانت و یا کمیسیون، چندین تن شمش آهن می گیرد و آن را برای تبدیل کردن به پول وارد کشور کرده و در قرارگاه خاتم الانبیا انبار می کند.

بعد از وارد کردن این محموله بزرگ، شرکت **سروش بهمن** که از شرکت های زیر مجموعه سپاه و قرارگاه خاتم الانبیا است، مامور فروش این محموله در کشور می شود و در همین رابطه شخصی به نام **کثیری** به نمایندگی از این شرکت به میان بازاریان رفته و محموله را به تاجران صنف آهن فروش پیشنهاد می دهد، اما از آنجا که خرید چنین محموله بزرگی کار هر کسی نبود و تنها یکی دو نفر توانایی خرید آن را داشتند، قرعه فال به نام **شرکت آریان فولاد** افتاد که نخستین کارخانه نورد فولاد در خاورمیانه است و در حال حاضر با 1200 کارگر در منطقه اشتهارد مشغول به کار است.

کثیری که در واقع دلال فروش شمش های آهن وارداتی قرارگاه خاتم الانبیا بود با خریدار (**بهمن قاسمی صاحب کارخانه آریان فولاد**) وارد مذاکره می شود و بعد از به رویت رساندن شمش های وارداتی انبار شده در قرارگاه خاتم الانبیا به خریدار، محموله یاد شده را به مبلغ **چهار و نیم میلیارد تومان** به صاحب کارخانه آریان فولاد می فروشد و کل وجه معامله را هم طی یک فقره چک بانکی در یافت می کند، اما قرارگاه خاتم الانبیا هر بار با بهانه های چون نداشتن کامیون و یا مشکلات حمل نقل کالا، از تحویل محموله به خریدار سر باز می زند تا عاقبت خریدار بعد از چندین جلسه مذاکره با **کثیری** و برخی مسئولین قرارگاه خاتم الانبیا متوجه می شود که اساسا همه این قضایا برای سرکیسه کردن او بوده است. لذا اقدام به شکایت از **کثیری** می کند چرا که علاوه بر تحویل ندادن محموله فروخته شده، از پس دادن چهار و نیم میلیاردی که بابت فروش محموله از صاحب آریان فولاد گرفته بود سر باز می زند. از همین رو طی حکمی **کثیری** را به جرم کلاهبرداری روانه زندان می کند. اما بعد از مدتی با وارد شدن شخصی بنام **هاشم ژانت**، که با موهای بور و چشم های زاغ، بیشتر به اروپایی ها شبیه است، اما خودش را اصالتا عراقی می داند، به یکباره حکم کلاهبرداری **کثیری** در دیوان عالی کشور شکسته می شود و طی در خواست دو وکیل متهم پرونده (**کثیری**) بنام های **دکتر ناصر سمیعی** و **علیرضا سعیدی**، که هر دو زمانی از قضات دادگاه انتظامی قضات بودند، پرونده بار دیگر در **شعبه 35 دادسرای بهشتی** به ریاست **قاضی خدا کرمی** مفتوح می گردد. این بار **قاضی خدا کرمی**، طی یازده صفحه حکمی خارج از موضوعیت پرونده صادر می کند که حتی دادستان هم از این حکم متعجب می شود و آن را بی ربط به موضوع پرونده می داند. به عبارت روشنتر **قاضی خدا کرمی** به جای آنکه به شکایت خریدار محموله شمش آهن از **کثیری** دلال و فروشنده محموله رسیدگی کند، با هماهنگی **سلیمانی** مسئول واحد رسیدگی به امور ورشکستگی در قوه قضائیه، حکم ورشکستگی شاکی پرونده یعنی صاحب آریان فولاد، که چهار و نیم میلیاردش را بردند و خوردند را صادر می کند و بلا فاصله طی حکمی جدا گانه به گروهی

ماموریت می دهد تا به کارخانه آریان فولاد رفته ، و با ضبط همه ماشین آلات و مواد اولیه آن ، بعنوان قیم و هیات رسیدگی به ورشکستگی آریان فولاد را تصرف نمایند ، که کارگران کارخانه با متوجه شدن از واقعیت ماجرا دست به اعتصاب می زنند و به حمایت از صاحب اصلی کارخانه در مقابل فرمانداری بوئین زهرا تجمع می کنند .

و اما واقعیت ماجرای پشت پرده این پرونده ورشکستگی، چیست ؟

بعد از تصدی آیت الله هاشمی شاهرودی بعنوان رئیس قوه قضائیه ، باندی از معاودین عراقی (رانده شدگان از عراق) که همگی از نزدیکان و دوستان آیت الله شاهرودی بودند تشکیل می گردد ، که معروفترینشان **شیرج** معاون شاهرودی بوده و بقیه زیر نظر او قوه قضائیه را تیول شخصی خود ساخته بودند ، هدف تشکیل این باند از معاودین عراقی مستقر در قوه قضائیه که چندین قاضی دیوان عالی کشور و دیگر شعبات دادسرا ها را تحت فرمان خود دارند ، بالا کشیدن کار خانجات و سرمایه های بخش خصوصی تجار ایرانی است و معروف ترین عملیاتی که تا کنون در راستای این هدف انجام دادند و مثل توپ در محافل اقتصادی کشور صدا کرد ، تصاحب کارخانه **فیلتر البرز** است که از آن زمان در محافل اقتصادی این گروه در قوه قضائیه را با نام **باند فیلتر البرز** می شناسند که رئیس و لیدر این باند شخصی به نام **هاشم ژانت** بود که با ظاهری فرنگی (موی طلایی و چشمان زاغ) خود را عراقی می خواند و از دوستان و یاران نزدیک **شیرج** معاون رئیس سابق قوه قضائیه است که با وجود برکناریش از قوه قضائیه اما **هاشم ژانت** کماکان به فعالیت خود ادامه می دهد با این تفاوت که بعد از رفتن هاشمی از قوه قضائیه برای انجام کار های قضایی خود از وکیلی به نام **مجید شریفی** استفاده می کند که در واقع این شخص وکیل **هاشم ژانت** می باشد و جالب اینکه **هاشم ژانت** بعد از اتمام هر پروژه ای برای مدتی مفقود می شود تا آب ها از آسیاب بیفتد اما به محض پیدا کردن شکار جدید با نام جدید اما همان شکل و ظاهر فرنگی وارد عمل می شود .

اما **کثیری** نماینده شرکت **سروش بهمن** که هم اکنون بجز پرونده آریان فولاد، از بابت دو پرونده مشابه دیگر که یکی مربوط به کلاهبرداری یک و نیم میلیاردی این فرد از شرکت **نبرد اهواز** است و پرونده دیگر او در ارتباط با کلاهبرداری یک میلیاردی از یک تاجر آهن است که هم اکنون برای این دو پرونده نیز در زندان بسر می برد و باکی ندارد چون تمامی احکامی که از سوی دادگاه ها برای این فرد صادر گردیده همگی پس از ارجاع به دیوان عالی کشور برای تجدید نظر توسط اعمال نفوذ **هاشم ژانت** شکسته می شوند آنچنانکه به شهادت همه پرونده های پیشین **کثیری** از بابت کلاهبرداری که بعد از مدتی بایگانی شده اند ، این چنین بوده است .

نقش کیهان در بالا کشیدن سرمایه تجار ایرانی

تمامی احکامی که قضات تحت نفوذ **هاشم ژانت** ، در مورد پرونده های مشابه **فیلتر البرز** و هم اکنون کارخانه آریان فولاد ، صادر گردیده ، قبل از حکم ، نسخه ای از خلاصه پرونده برای کیهان شخص **حسین شریعتمداری** ارسال می گردد تا با انتشار آن ضمن فراهم ساختن جو مناسبی جهت چپاول اموال تجار ایرانی ، مدرکی جهت استناد قاضی برای حکم صادره باشد که در مورد پرونده آریان فولاد می توانید به کیهان چهارشنبه 15 اردیبهشت ماه امسال (89) صفحه 6 (مطالب اقتصادی) مراجعه کنید .